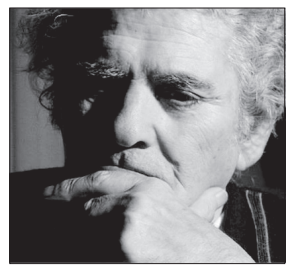

نمایش «این بامداد خسته» در کانون سینماحقیقت

گروه ادب و هنر: ساعت ۱۷ یکشنبه ۹ خرداد در کانون فیلم «سینما حقیقت» فیلم مستند «این بامداد خسته» به کارگردانی فرشاد قائمیان به نمایش درخواهد آمد و سپس جلسه نقد و بررسی آن برگزار خواهد شد. ناصر صفاریان کارشناس و مجری برنامه است و به همراه کارگردان این مستند این برنامه را برگزار می‌کند. این فیلم مستند زندگی احمد شاملو یکی از بزرگ‌ترین شاعران معاصر را به تصویر می‌کشد که برای اولین بار به اکران عمومی درمی‌آید. کانون فیلم «سینما حقیقت» که در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی واقع است، هفتمین برنامه خود را سپری می‌کند.

کافه کتاب

نگاهی به مجموعه‌داستان «لب‌خوانی»

بازی در مدار بسته

علی قانع
داستان‌نویس

«لب‌خوانی» ابوذر قاسمیان که شامل ۹ داستان‌کوتاه و اولین مجموعه‌داستان این نویسنده جوان است، کتاب خوشخوانی است، خصوصا برای کسانی که سربازی رفته‌اند و داستان‌ها گاهی نقبی نوستالژیک می‌زنند به خاطرات تلخ و شیرین دوران خدمت نظام‌وظیفه و روزهایی که می‌تواند برای هر پسر ایرانی خاطره‌انگیز باشد. زیاد هم فرق نمی‌کند پیرمرد باشی و چندین و چند سال از سربازی رفتنت گذشته باشد یا هنوز جوهر امضای برگه پایان‌خدمتت خشک نشده باشد. تقریبا اغلب داستان‌ها از زبان پخته‌ای برخوردار بودند و بیشتر نسبتا مهندسی خوبی داشتند به لحاظ ساخت و پرداخت. هرچند همه داستان‌ها مربوط به آن حال و هوا نمی‌شد و داستان‌هایی با موضوعات متفاوت‌تری هم بین کارها دیده می‌شد ولی سربازی‌ها غالب بودند به بقیه که در نوع خودش قابل‌توجه است. تنها کمبودی که حس می‌شد شاید مربوط به سانسور یا حتی خودسانسوری نویسنده باشد، خواسته و ناخواسته‌اش فرقی نمی‌کند ولی یکی از حس‌هایی که در دوران نظام یا هر محیط تک‌جنسی گریبان آدم را می‌گیرد، تمنای جنسی و عشق‌های آگراندیسمان شده است که من ندیدم در این کارها و فقط اشاره‌ای کوچک شده بود در داستان مینی‌سیتی.

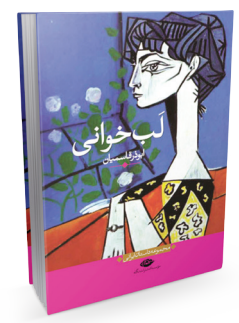

لب‌خوانی
نویسنده: ابوذرقاسمیان
ناشر: نگاه
بهار ۹۵

داستان «بازی در مداربسته» کار فوق‌العاده دقیقی است به این معنا که نویسنده اشراف کامل دارد به نوع روایت و شاید دارد مشق داستان‌نویسی می‌کند از نوع حرفه‌ای‌اش. دوربین‌هایی که در یک مداربسته حرکت و تصویرها را با جزئیات کامل بیان می‌کنند، جزئیاتی که همگی در خدمت داستان هستند و رو نمی‌زنند و زائد نیستند و هرکدام نقطه کوری دارند، اما همه‌چیز در نقطه کور دوربین چهارم تمام می‌شود و خواننده را به دنیای واقعی راوی باز می‌گرداند. نویسنده در این داستان مهارتش را در نگارش نشان داده و هر چیزی را که خودش دنبال می‌کرده با استفاده از حرکت دوربین‌ها در اختیار خواننده‌اش گذاشته و داستان را کامل کرده است.

نسخه‌پیچ شاخص‌ترین داستان مجموعه است به معنای واقعی داستان نو یا داستان امروز. کاری که با معیارهای داستان مدرن همخوانی دارد و در ذهن مخاطب ماندگار می‌شود. نویسنده در داستان فقط حرف نمی‌زند، تعریف نمی‌کند و از هم مهم‌تر حکم صادر نمی‌کند. نویسنده در همه حال فقط به داستان فکر می‌کند و ذهن خلاقانه‌اش را به‌کار می‌اندازد و روند روایتش را با خواننده سهیم می‌شود. نکته اینکه داستان حرکت دارد و اتفاق‌ها و اطلاعات را درحال حرکت به مخاطبش می‌سپارد تا او هم پابه‌پای شخصیت‌ها پیش بیاید و داستان را دنبال کند. ایجاد چالش در مسیر داستان کمک زیادی به کار کرده تا داستان را از کسل‌کنندگی به سمت نشاط خواندن و تعقیب روایت درحال حرکتی سریع و نفسگیر سوق بدهد.

در کنار این کار، داستان‌های بازی در مداربسته و سیلاب، قبیله‌قاب و کتاب حیات وجود دارند که کارهای قابل‌تاملی هستند و جا برای گفتن و شنیدن زیاد دارند. درباره نویسنده می‌توانم بگویم آینده‌ای روشن دارد و منتظر کارهای بعدی‌اش می‌مانم. فقط یک نکته می‌ماند که اسمش را ایراد نمی‌گذارم و بیشتر توصیه دوستانه است. این مورد در کارهای یکی دو دوست جوانم که در گروه داستان ایرانی کارهایشان را دیده‌ام نیز وجود دارد. اما نکته اینجاست، وقتی کسی اینقدر خوب می‌نویسد چرا باید در نوشتن خساست به خرج دهد و داستان را با شتاب و گاهی ناتمام به آخر برساند. منظورم اطناب و روده‌درازی بی‌هدف نیست، اما من خواننده نوعی، تا بیایم به داستان وصل شوم و لذتش را زیر زبانم مزه‌مزه کنم ارتباط قطع می‌شود و غالبا این پایان‌بندی طوری هم نیست که بتوانم در خلوت خودم ادامه‌اش بدهم و با کاویدن و زیر و رو کردن داستان، لذتم را کامل کنم. گاهی شخصیت‌ها ساخته می‌شوند، تصویرهای خوبی شکل می‌گیرند، فضای داستانی مناسبی به وجود می‌آیند، اما از هیچ‌کدام استفاده بهینه نمی‌شود و عقیم می‌مانند و تلاش نویسنده نادیده می‌ماند و گاهی هم اصلا فضایی، شخصیتی و تصویری نداریم و فقط با روایت محض روبه‌رو هستیم که البته در داستان‌های کتاب لب‌خوانی این موارد در حداقل‌ها مانده بود و نکات مثبتش می‌چربید.

تابلوی درختان سهراب سپهری در پنجمین حراج بزرگ تهران ۳ میلیارد تومان به فروش رفت

رکوردهای تازه در پنجمین حراج تهران

شب ۲۵ میلیاردی

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

باز هم در حراج بزرگ تهران عنوان گران‌ترین اثر و گران‌ترین تابلوی فروش‌رفته به سهراب سپهری رسید و تابلوی ۱۲۰ در ۱۸۰ سانتیمتر درختان از معروف‌ترین مجموعه این نقاش و شاعر مشهور ایرانی به رقم سه میلیارد تومان به فروش رفت تا این تابلو به یکی از مشهورترین و گران‌ترین آثار ایرانی در حراج‌های داخلی تبدیل شود. سه خریدار با هم برای خرید این تابلو رقابتی نفسگیر داشتند که یکی از لحظه‌های به‌یادماندنی پنجمین حراج بزرگ تهران را رقم زدند و برای مدتی نفس شرکت‌کنندگان را در سینه حبس کردند.

اجرای حسین پاکدل نیز تنور این رقابت را داغ‌تر کرده بود. در این حراج که در هتل پارسیان آزادی برگزار شد، مدیران فرهنگی مانند علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی مرادخانی معاون امور هنری، شاه‌مرادی دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، سیدمحمد بهشتی، علیرضا سمیع‌آذر، مرتضی کاظمی و چهره‌های هنری شاخصی مانند شهرداد روحانی، علی دایی، الناز شاکردوست، آنا نعمتی و پری صابری حضور داشتند.

جدای از درخت‌ها، یک تابلوی دیگر از سپهری نیز به رقم یک‌میلیاردونیم فروش رفت تا دو رکورد اول این حراج برای شاعر «آب را گل نکنیم» باقی بماند. این‌گونه بود که یک‌بار دیگر هن‌رهای تجسمی در ایران شگفتی آفریدند و فروش بالای ۲۵ میلیارد تومان در حراج تهران به یک رویداد مهم در این حوزه تبدیل شد تا تاکیدی باشد بر روند روبه رشد اقبال خریداران هنرهای تجسمی.

شامگاه جمعه هفتم خرداد در پنجمین دوره از حراج تهران ۶ رکورد تاریخی به‌جای ماند. اتفاقی که برای چهار اثر هنرمندان در قید حیات رقم خورد، تاکنون بی‌سابقه بود و اغلب رکوردها متعلق به هنرمندان درگذشته بود. شور و هیجان مراسم وقتی به اوج خود رسید که چهار اثر از چهار هنرمند زنده به فروش بالای یک میلیارد تومان رسید. حضور محمود فرشچیان در این مراسم از اتفاق‌های خوبی بود که تاثیر زیادی هم در فروش بالای اثرش داشت.

نقاشی از یک گلدان زیبا اثر منوچهر یکتایی هنرمند ۹۴ ساله که به‌عنوان آخرین اثر روی میز حراج رفت یک میلیارد و ۴۷۰میلیون تومان چکش خورد. تابلویی از محمود فرشچیان در نخستین حضور در حراج تهران به رکورد یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان دست یافت. «تعالی» عنوان این تابلوست که با تکنیک اکریلیک روی مقوا در سال ۱۳۸۳ خلق شده است؛ دو نقاشیخط هم به جمع میلیاردی‌های اقتصاد هنر ایران راه یافتند: تابلوی آبی‌رنگ «رقص آبی»، سیدمحمداحصایی و تابلوی «ص+ ه+ ص» حسین زنده‌رودی. هفتم تیر امسال برای هنرهای تجسمی ایرانی معاصر شبی به‌یادماندنی بود که ۷۹ اثر درمجموع با ۲۵ میلیارد و ۳۶۲ میلیون تومان به فروش رفت و تنها یک اثر ارائه‌شده به فروش نرسید که این هم از اتفاق‌های خوب پنجمین حراج بزرگ تهران بود. جدای از آن ۶ اثر فروش‌رفته بالای یک میلیارد تومان، ۵۴ اثر نیز بالای یکصد تومان به فروش رفت که این نیز امری منحصربه‌فرد بود. حراج جمعه‌شب به آثار استادان کلاسیک و مدرن ایران تعلق داشت که از این میان پنج تابلو از نقاشی آکادمیک ایران شامل آثار استادان نقاشی واقع‌گرا، نگارگری نوین و قهوه‌خانه در کنار ۶۵ اثر از استادان مدرنیست ایران بوده و آثار هنرمندان معاصر در این مجموعه غایب بوده و به حراج دیگری موکول شده است. علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که زمان چکش حراج‌خوردن تابلویی از سهراب سپهری به مراسم رسید، گفت: «پنجمین سال است که حراج تهران برگزار می‌شود و من با حضور در این حراج، قصد دارم حمایت دولت از این همت بخش خصوصی را نشان دهم؛ حراج تهران حرکتی ارزنده است که علاوه‌بر تقدیر از هنرمندان موجب می‌شود آنها با دلگرمی از رونق اقتصاد هنر تشویق شوند و آثار فاخرتری ارائه دهند و نام‌شان ماندگار باشد.

> علی جنتی: خوشبختانه در سال‌های اخیر اقبال به خرید تابلوهای هنری در ایران بسیار بیشتر شده و علاوه‌بر گالری‌ها علاقه‌مندان به آثار تجسمی نیز برای خانه‌هایشان این آثار ارزشمند را خریداری می‌کنند

از هنرمندان بنام ایرانی هر سال آثار زیادی در حراجی‌های معتبری چون کریستیز عرضه می‌شود و این آثار با قیمت‌های بالایی خریداری می‌شوند که این نیز نشان‌دهنده ارزش معنوی و مادی این آثار است.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رونق اقتصاد هنر را به منزله اشتغالزایی در این حوزه دانست و گفت: «خوشبختانه در سال‌های اخیر اقبال به خرید تابلوهای هنری در ایران بسیار بیشتر شده و علاوه‌بر گالری‌ها، علاقه‌مندان به آثار تجسمی نیز برای خانه‌هایشان این آثار ارزشمند را خریداری می‌کنند.

ما باید به جای آن‌که طلا و جواهر به یکدیگر هدیه دهیم، آثار هنری خریداری کنیم و به دوستان و فرزندان‌مان در داخل و خارج از کشور هدیه دهیم. در این بین همیشه دولتمردان را تشویق می‌کنیم که به همتای خودشان در کشورهای دیگر اثر هنری ایرانی هدیه دهند، زیرا با این حرکت، یک کار هنری علاوه‌بر آن‌که می‌تواند معرف فرهنگ و هنر ایران باشد، ارزش مادی حقیقی خود را می‌یابد.»

تجسمی

تندیس محمدرضا لطفی و جلیل شهناز

دست‌های سیلیکونی مجموعه آثاری از علیرضا خاقانی

تندیس‌های سیلیکونی دندانپزشکی که مجسمه‌ساز شد

عکس یادگاری با استادان تار

حسن محمودی
h.mahmoodi@fdn.ir

علیرضا خاقانی، تندیس دو استاد برجسته تار ایران را به قدری استادانه ساخته است که انگار جلیل شهناز و محمدرضا لطفی در کنار هم نشسته‌اند و تار می‌نوازند و امکان به وجود آمدن این شبهه برای برخی از بازدیدکنندگان اتفاقی هست. نوای تار در نگارخانه میرمیران خانه هنرمندان ایران به گوش می‌رسد.

تندیس دیگری هم از مخاطبی است که محو جادوی تار این دو استاد شده است. به دیوارهای نگارخانه میرمیران هم عکس‌هایی از هنرمندان و چهره‌های شاخص تار نصب شده که خود در فضاسازی نمایشگاه بسیار موثر است. تندیس‌ها آنقدر طبیعی است که اغلب بازدیدکنندگان به سرشان می‌زند با استادان تار عکس یادگاری بگیرند. این روزها صفحه‌های شخصی این بازدیدکننده‌ها مزین است به یکی از همین عکس‌های یادگاری. خاقانی برای ساخت مجسمه‌هایش، تنها به دیدن عکس‌ها بسنده نکرده و در زندگی آنها غور و تجسس کرده است تا بتواند روح هنرمند را کشف کند و در اثرش تجلی دهد.

او به «فرهیختگان» گفته است که سال‌ها پیش تار نوازی هم کرده است و با تار ناآشنا نیست. از علیرضا خاقانی پیش از این تندیس‌های دیگری از مشاهیر بزرگ ایران دیده بودیم که از آن جمله می‌توان به نمایشگاه قبلی او در خانه هنرمندان از ۱۵ نفر از مشاهیر ایرانی مانند شهریار، سپهری، دانشور، حسابی فردوسی، امیرکبیر، ملک‌الشعرای بهار، صادق هدایت، تختی، پروین اعتصامی، احمد شاملو، مصدق، ستارخان و باقرخان اشاره کرد. خودش می‌گوید: «بعد از بازدید از موزه مادام توسو در آمستردام هلند جای خالی موزه‌ای برای مشاهیر ایرانی را احساس کرده و در صدد برآمدم با ساخت مجسمه‌هایی از چهره‌های شاخص ایرانی به این امر مغفول مانده کمک کنم.» او همچنین پنج مجسمه از مدرس، وثوق‌الدوله، نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله برای نصب در خانه موزه مدرس ساخته است تا حال و فضای دوره مشروطه را زنده کند. حالا او دوباره با سیلیکون تندیس‌هایی ساخته است که گاه مخاطبش را بین واقعی بودن و نبودن به شک می‌اندازد. قرار بود که تندیس غلامحسین بیگچه‌خانی نیز در این نمایشگاه باشد که این هنرمند به نمایشگاه تندیس‌های شهناز و لطفی بسنده کرده است. در این نمایشگاه خاقانی استادی و مهارتش را در استفاده از سیلیکون بار دیگر به معرض نمایش گذاشته است. سیلیکون از مشتقات سیلیکات، خواص رنگ‌پذیری و فرم‌پذیری خوبی دارد و هنرمند به خوبی می‌تواند بافت پوست زنده را از روی آن درآورد که باعث می‌شود مجسمه‌ها طبیعی به نظر برسند.

خاقانی از مدت‌ها پیش از ماده سیلیکون به جای موم در مجسمه‌سازی استفاده کرده است. او دکتری ارتوز و پروتز دارد و از طریق حرفه‌اش گریز زده است به مجسمه‌سازی. خودش هم می‌گوید از طریق حرفه‌اش موفق شده پی به خواص خوب سیلیکون برای مجسمه‌سازی ببرد. این ماده علاوه‌بر ویژگی‌های منحصربه‌فردش، قابلیت نگهداری خوبی هم دارد و برای نمایشگاه‌های دائمی پیشنهاد خوبی است و کاربرد زیادی دارد. مجسمه‌هایی که از موم ساخته شده‌اند کم‌دوام و شکننده‌اند و نیاز به مراقبت دائمی و دقیق دارند و نسبت به تغییرات دمایی محیط حساس و آسیب پذیرند. این در حالی است که سیلیکون این نقاط ضعف را ندارد. نمایشگاه استادان تار از ۴ خرداد شروع شده تا ۱۸ خرداد ادامه دارد.

موسیقی

۱۳ایرانی در بی‌ینال موسیقی ونیز

گروه ادب و هنر| شصتمین دوره «بی‌ینال موسیقی ونیز» مهر امسال با حضور آهنگسازانی چون پاسکال دوساپن، کایا ساریاهو، توشیو هوزوکاوا و سالواتوره شارینو برگزار می‌شود و در این میان ۴۶ اثر برای نخستین بار روی صحنه شنیده خواهند شد. در روزهای آخر این بی‌ینال که ۲۵ مهر است، سه هنرمند ایرانی به نام‌های مهدی خیامی، علیرضا فرهنگ و کارن کیهانی پس از ۸۶ سال حضور خواهند داشت.

آثار آنها توسط آنسامبل موسیقی معاصر ایتالیا یعنی «دیورتیمنتو آنسامبل» و به رهبری سندرو گُرلی به اجرا درخواهند آمد. بخش موسیقی ایرانی با عنوان «موسیقی ایران از گذشته تا امروز» اجرا خواهد شد و هر سه آهنگساز برگزیده شده ایرانی آثاری برای یک ساز ایرانی و آنسامبل بزرگ تصنیف کرده‌اند که اجرا خواهد شد.

در وهله اول، قطعه کنسرتو کمانچه اثر مهدی خیامی برای کمانچه و آنسامبل، در وهله دوم، قطعه «صبا» اثر علیرضا فرهنگ برای تار و آنسامبل و در آخر قطعه «نقطه‌ای بود و دگر هیچ نبود» اثر کارن کیهانی برای سنتور و آنسامبل، آثاری هستند که در بخش نخست این کنسرت با حضور سامان صمیمی نوازنده کمانچه، میلاد محمدی نوازنده تار و کارن کیهانی نوازنده سنتور اجرا خواهند شد.

البته قسمت‌های دیگری در این بی‌ینال از موسیقی ایرانی وجود خواهد داشت. جشنواره موسیقی بی‌ینال ونیز از ۱۹۳۰ کار خود را با تمرکز بر حوزه موسیقی معاصر آغاز کرده و همواره صحنه حضور معتبرترین ارکسترها، سولیست‌ها و ستارگان آهنگسازی موسیقی معاصر جهان بوده است.

تئاتر

«مکبث» جایزه انجمن منتقدان روسیه را ربود

گروه ادب و هنر| نمایش «مکبث» به کارگردانی رضا ثروتی در هفدهمین دوره فستیوال «رنگین‌کمان» سن‌پترزبورگ شرکت داشته و توانسته است نمایش برگزیده این جشنواره از سوی انجمن منتقدان تئاتر روسیه شود. کشورهایی مانند فرانسه، دانمارک، لهستان، استونیا، آمریکا، ژاپن، بلغارستان، انگلیس و در این جشنواره رقابت می‌کردند. در گذشته نیز هنرمندان معتبر تئاتر مانند یوجینیو باربا، ریماس تومیناس، لی بروئر، ماتوئی میورا، کریستف وارلیکوفسکی، فیلیپ ژانتی و دیمیتری کریموف در این جشنواره شرکت کرده بودند. رضا ثروتی پیش از این نمایش «مکبث» را در ایران به صحنه برده و در جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران نیز به‌عنوان اثر برگزیده انتخاب شده و توانسته بود جایزه برتر کارگردانی را نیز به دست آورد. پس از آن، این نمایش جایزه ویژه هیات داوران برای کارگردانی و طراحی بدیع را از بیست وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به دست آورد.

سینما

دگردیسی آقای بهروز افخمی

گروه ادب و هنر| فیلم «گاوخونی» به کارگردانی بهروز افخمی که اقتباسی از رمانی به همین نام از جعفر مدرس‌صادقی است قرار است در سینمای «هنر و تجربه» به اکران درآید.

این فیلم پس از ۱۲ سال به اکران درمی‌آید و بازیگرانی مانند بهرام رادان، عزت‌الله انتظامی، بهاره رهنما و سروش صحت در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند و بهروز افخمی با این فیلم به جشنواره فیلم کن رفت. گاو خونی فیلمی متفاوت در کارنامه کارگردانش محسوب می شود که در سال اکرانش با واکنش های زیادی از سوی طرفداران و منتقدانش روبه‌رو شد.

نکته جالب اینکه کارگردان چنین فیلمی به سمت یک برنامه تلویزیونی رفته که هر هفته حاشیه‌های فراوانی دارد. سری سوم برنامه سینمای «هفت» که مدتی است با مجری‌گری بهروز افخمی، کارگردان سینما برگزار می‌شود در یک چرخه حاشیه افتاده است. در جمعه شب، هشتم خرداد فریدون جیرانی اولین مجری این مجموعه در مناظره حاضر نشد و وحید جلیلی و طهماسب صلح‌جو این برنامه را بدون هیچ نتیجه‌ای ادامه دادند. افخمی در این باره گفت: «سه‌شنبه، فریدون جیرانی جا زد. هرچقدر هم ما اصرار کردیم، گفت بگویید جیرانی جا زد و نیامد.» ولی مهم‌ترین نکته این است که بهروز افخمی خبر از قطع پخش این برنامه در ایام ماه رمضان داد. در زمان سری دوم این مجموعه نیز گبرلو مجری سابق «هفت» همین خبر را داد و دیگر برنامه پس از ماه رمضان پخش نشد. در چند روز گذشته نیز مرجان شیرمحمدی همسر بهروز افخمی نیز به حمایت از همسر خود برخاسته است و به منتقدان افخمی مانند بهرام رادان حمله کرد و گفت رادان از رو خوانی رمان گاو خونی عاجز بوده است.